

Structuring the Problem of Non-Participation of Elites during the Process of Public Policy Making in IR of Iran



Danial Ramezani¹, *Mahdi Abdolhamid², Ali Reaeian³

1. PhD of Public Management, Decision and Policy Making, Faculty of Management, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Management and Philosophy of Science and Technology, Faculty of Management, Economy and Advanced Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

3. Professor, Department of Public Management, Faculty of Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



Citation: Ramezani, D., Abdolhamid, M., & Reaeian, A. (2022). [Structuring the Problem of Non-Participation of Elites during the Process of Public Policy Making in IR of Iran]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9 (4), 748-772. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.275355.2209>

<https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.275355.2209>

20.1001.1.23452544.1400.9.36.4.6



Funding: See Page 767

Received: 02/03/2021

Accepted: 19/07/2021

Available Online: 22/12/2021

Article Type: Research paper

Key words:

Public policies; problem structuring; elites; participation.

ABSTRACT

The process of policy making has an important role in the success of the public policies. One of the groups that benefit most from the public policies is elites who do not have an active contribution in the process. Accordingly, this research aims to identify the challenges in this regard. The mixed method research design uses qualitative data from the semi-structured interviews with 26 experts. The data are, then, content-analyzed and grouped into 7 primary concepts and 9 major categories. In the quantitative analysis, a questionnaire based on 20 experts' opinion were developed for constructing the structural-interpretive model. The findings show that the most significant challenges are "weak cultural of tolerating others and encouraging interaction", "lack of meritocracy", and "extreme politicization in governance".

JEL Classification: D78.

* Corresponding Author:

Mahdi Abdolhamid, PhD

Address: Iran University of Science and Technology, Tehran

Tel: +98 (912) 4363718

E-mail: mahdi_abdolhamid@ius.ac.ir

ساختاردهی به مسئله عدم مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران

دانیال رمضانپور^۱، *مهدی عبدالحمید^۲، علی رضائیان^۳

۱. دکترای مدیریت دولتی، تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
 ۲. استادیار، گروه مدیریت و فلسفه علم و فناوری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
 ۳. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران



20.1001.1.23452544.1400.9.36.4.6

چیکید

تاریخ دریافت: ۱۲ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۸ تیر ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۱ دی ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌های عمومی، ساختاردهی به مسئله، نخبگان، مشارکت.

مرحله تدوین سیاست در موفقیت سیاست‌های عمومی نقش بسزایی دارد. یکی از مهم‌ترین ذی‌نفعان هر کشور از موفقیت تدوین سیاست‌های عمومی، نخبگان هستند که مشارکت فعالی در این زمینه ندارند. از این رو این پژوهش به دنبال شناسایی عوامل پدیدآورنده چالش مذکور در کشور است. این پژوهش از نوع آمیخته بوده است که در بخش کیفی، داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۶ نفر از خبرگان گردآوری شد و از طریق کاربست تحلیل محتوای کیفی، در قالب ۴۷ مفهوم اولیه و ۹ مقوله اصلی سامان‌دهی گردید. در بخش کمی نیز، از پرسش‌نامه ماحصل کار کیفی و بهره‌گیری از نظرات ۲۰ خبره برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها، در کنار مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده بیشترین تأثیر موانع سه‌گانه «ضعف فرهنگ تحمل مخالف و تضارب آرا در کشور»، «فقدان فرهنگ شایسته‌سالاری» و «سیاست‌زدگی مفرط در حکمرانی» در شبکه مسائل مشارکت نخبگان است.

طبقه‌بندی JEL: D78.

* نویسنده مسئول:

دکتر مهدی عبدالحمید

نشانی: تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران

تلفن: ۴۳۶۳۷۱۸ (۹۱۲) ۹۸+

پست الکترونیک: mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه یکی از دغدغه‌های اساسی دولت‌مردان و سیاست‌گذاران نزدیک کردن مردم به خود، ارتباط با آنها، شناسایی مسائل عمومی و همراهی عمومی آنها و در یک کلام، مشارکت عامه با دولت و سیاست‌گذاران است (De Reuver, Stein, Hampe, & Bouwman, 2010, p. 15). مشارکت مکانیسمی مؤثر در کاهش ریسک سیاست‌های عمومی و مقوم اثر سیاست‌های ملی در آینده و کانالیزور تغییر اجتماعی است (Evans, Flores & Larson, 2019, p. 2). یکی از دلایل شکست و ناکامی سیاست‌ها را تدوین و فرمول‌بندی نادرست سیاست‌های عمومی دانسته‌اند (Howl-ett & Lejano, 2013, p. 361) که خود ناشی از عدم مشارکت فعال نخبگان در فرایند تدوین سیاست‌هاست (حاجی‌پور، فروزنده، دانایی‌فرد و فانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸). البته جلب مشارکت فعال نخبگان، در مقام سرمایه‌های جامعه، در سیاست‌گذاری عمومی، برای توسعه کشور بسیار مؤثر بوده (سریع‌القلم، ۱۳۹۲، صص. ۱۴۵-۱۶۵) و خود نیازمند سیاست‌گذاری است (Matto, Giuseppe, Alessandrio, Andrea & Rapisarda, 2016, p. 2). بنابراین در ابتدا لازم است مسئله عدم مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری عمومی ساختاردهی و صورت‌بندی شود.

صاحب‌نظران بسیاری به مسئله عدم مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری عمومی در کشور اذعان کرده‌اند. نیازی (۱۳۸۱) بر آن است که یکی از مسائل مهم در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی جلب مشارکت افراد جامعه، به‌خصوص نخبگان، است. علوی (۱۳۹۴) معتقد است که بدون دستیابی به راهکاری اطمینان‌بخش برای پیوند عملی میان سیاست‌مداران، مردم و نیروهای فکری جامعه، نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت و در صورت مشارکت تمامی قشرهای جامعه است که زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها، نهفته و بهره‌گیری از امکانات مادی، انسانی و فرهنگی جامعه فراهم می‌شود.

از این رو با توجه به ضرورت مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی، باید تمام ظرفیت نخبگانی کشور به میدان بیاید و حلقه‌های فکری و حوضچه‌های دانش تشکیل شود و با به‌اشتراک گذاشتن دانش و اطلاعات خود، باعث ایجاد اطلاعات مفید و پشتوانه‌ای برای بهبود بلندمدت در تدوین سیاست‌های عمومی گردد تا بتوان به نقطه مطلوب دست یافت (دانش‌فرد، ۱۳۸۹، ص. ۵۱).

با نظرداشتن حیطه موضوعی تحقیق حاضر که همان تدوین سیاست‌های عمومی در ایران است، وضعیت مسئله‌زا^۱ در این پژوهش، عدم مشارکت مطلوب نخبگان در فرایند تدوین سیاست‌های عمومی در ایران تعریف می‌شود. بر این مبنای جهت‌گذار از وضعیت مسئله‌زا به مسائل عدم مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری عمومی در ایران، پژوهش حاضر در حوزه

1. problem situation

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و به عبارت دیگر، ساختاردهی به مسئله^۲ تعریف شده است. ساختاردهی به مسئله، در عوض تمرکز صرف بر حل مسئله، بر شناخت دقیق مسئله تأکید می‌کند. در بسیاری از مواقع، دلیل موفقیت‌آمیز نبودن سیاست به‌عنوان راهکار، نبود شناخت صحیح از مسئله است که از آن با عنوان خطای نوع سوم^۳ یاد می‌شود و این پژوهش به‌دنبال کاهش احتمال وقوع آن در جامعه است. لذا در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده شده است:

- چه عواملی مانع مشارکت نخبگان در فرایند تدوین سیاست‌های عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شود؟

بر این اساس، در این پژوهش با بررسی دانش نظری موجود و بهره‌گیری از تجارب خبرگان، عوامل و مؤلفه‌های اصلی موانع مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی شناسایی و تحلیل شده است.

۲. پیشینه تحقیق

وینشنگ، داوس، اسکارسون، کلیمنسن و نورگارد^۴ (2021) در بررسی «رابطه بین دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی بر مبنای داده‌های دوقلوهای همسان در آمریکا، سوئیس، آلمان و دانمارک» به این نتیجه رسیدند که دیدگاه‌های سیاسی ارتباط مثبت و معناداری با افزایش سطح مشارکت سیاسی دارد.

ژیامونی^۵ (2021) در پژوهش «قرارگیری فساد اخلاقی و مشارکت سیاسی بر مبنای داده‌های چند شهر ایتالیایی» دریافتند که قرارگیری در معرض فساد اخلاقی اثرات منفی و فراگیر بر مشارکت سیاسی داشته و در نهایت گرایش سیاسی مردم را کاهش داده است.

فالانگا، سبولو، پرینسیپی و سوکی^۶ (2021) در بررسی «مشارکت شهروندان سالخورده در تصمیم‌گیری نقش اولیه در اروپا» اظهار کردند که شهروندان سالخورده با رویکرد مشاوره و یا مشارکت در تصمیم‌گیری مشترک با سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌ها نقش دارند.

پرلاویسوت و اسکونتانی^۷ (2020) در مطالعه «مشارکت سیاسی در شرایط سیاست‌گذاری بر اساس تلفیق علایق عمومی و چارچوب قانونی» به این نتیجه رسیدند که شرایط سیاست‌گذاری به

2. problem structuring

3. third error

4. Weinschenk, Dawes, Oskarsson, Klemmensen & Nørgaard

5. Giommoni

6. Falanga, Cebulla, Principi & Socci

7. Perlaviciute & Squintani

حمایت عمومی نیاز دارد؛ زیرا اگر مردم احساس کنند که از سیاست‌گذاری کنار گذاشته شده‌اند، در برابر چنین سیاست‌هایی مقاومت نشان می‌دهند و همچنین چارچوب‌های قانونی مثل معاهده آرهاس، قوانین جامع کشوری جهت مشارکت سیاسی در تصمیم‌گیری نقش مهمی دارد.

تافا، وانولیت و وربرگ^۸ (2019) در بررسی «نقش افراد سازمانی و تعاملاتشان در فرایند سیاست‌های عمومی کاربرد زمین در اتیوپی» به این نتیجه رسیدند که سیاست‌ها در بالاترین سطح ساخته می‌شود و در یک رویکرد بالا به پایین اجرا می‌گردد. عواملی که مانع اجرای مؤثر سیاست‌ها می‌شود، عدم مشارکت سطوح پایین سازمان در فرایند تدوین سیاست‌های عمومی است.

ایوانز، فلورس و لارسون^۹ (2019) در پژوهش «نظارت مشارکتی در انجمن‌های جنگل‌داری جهت بهبود مشارکت» اثبات کردند که نظارت مشارکتی مکانیسمی را برای شناسایی موانع نظارتی با ایجاد فضایی برای اعضای انجمن جهت ارزیابی نظارت محلی، شناسایی موضوعات و راه‌حل‌های موجود فراهم می‌کند.

میز، یوتانبورک، هگر و دریسین^{۱۰} (2019) در مطالعه «از مشارکت شهروندی تا مشارکت دولتی: نقش‌های حکومت‌های محلی در ابتکار پیش‌قدمی جامعه برای سازوکاری با تغییر جوی در هلند» به این نتیجه رسیدند که حکومت‌های محلی به‌کندی، اما به تدریج در حال تغییر به سمت شبکه‌سازی بیشتر تحریک و تسهیل نقش‌ها در جهت مشارکت هستند.

جان مک و باتلمیو^{۱۱} (2017) در بررسی «منافع نخبگان و مشارکت سیاسی در بوتسوانا» به این نتیجه رسیدند که میان قدرت نخبگان سیاسی دو حزب چپ‌گرا و حزب دموکرات در بوتسوانا درگیری و اختلاف وجود دارد و در برخی موارد، قبایل در انتخابات داخلی و بین دو حزب برای نفوذ در انتخابات بسیج شده‌اند.

پی. سبولو^{۱۲} (2016) در بررسی «مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های آفریقای جنوبی و با تمرکز بر انتخاب‌های مردمی و نخبگان» اذعان کردند که مشارکت عمومی در سیاست‌گذاری بیشتر در گفتمان‌های علمی، توسعه سیاسی و دولتی مطرح می‌شود.

افراسیابی و ملکی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی ابعاد سیاست‌گذاری عمومی از دیدگاه اسلام با تأکید بر عدالت و مشارکت» به این نتیجه رسیدند که قابلیت‌های افراد، قطعیت یافتن

8. Taffa, Vanvliet & Verburg

9. Evans, Flores & Larson

10. Mees, Uittenbroek, Hegger & Driessen

11. John Mc & Botlhomwiwe

12. P Sebola

قابلیت‌ها، کسب توانمندی‌ها، توسعه منابع انسانی، شفافیت و پاسخ‌گویی، فرصت‌های برابر با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد سیاست‌گذاری عمومی محسوب می‌شود.

قیصری، سلاجقه، بیگزاده‌عباسی و شیخی (۱۳۹۸) در بررسی «شناخت بازیگران تدوین سیاست عمومی مؤثر بر اجرای سیاست‌های سلامت نظام اداری» دریافتند که بین بازیگران تدوین خط‌مشی عمومی و اجرای سیاست‌های سلامت نظام اداری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

ضابط‌پور‌کردی، امین‌بیدختی، رضایی و صالحی (۱۳۹۸) در پژوهش «شناسایی و اولویت‌بندی موانع و چالش‌های اجرای سیاست‌های آموزش عالی در ایران» اظهار کردند که موانع اجرای سیاست آموزش عالی شامل موانع مدیریتی - ساختاری، موانع درون‌سازمانی، موانع فردی، موانع کلان‌کشوری، موانع مربوط به تدوین سیاست، موانع مربوط به نظام آموزشی، موانع مربوط به اسناد بالادستی، موانع محیطی و ابزاری و موانع مربوط به اجتماع و فرهنگ است.

علی‌رغم جست‌وجوی محققان در میان مقالات داخلی و خارجی، پژوهشی مرتبط و مؤثر مشاهده نشد. بنابراین در مقایسه‌ی پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده باید اذعان کرد که این تحقیق بر موانع مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی تأکید دارد؛ درحالی که به‌نظر می‌رسد دیگر پژوهش‌ها بیشتر بر فرایند مشارکت سیاسی و اجرای سیاست‌ها تمرکز دارند. علاوه‌بر این، موضوع مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری از منظر ساختاردهی به مسئله و با روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری واکاوی نشده است. توجه شود که رویکرد ساختاردهی به مسئله در این مقاله بیانگر عدم تبیین کلی موانع مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی در ایران و نبود یک نظریه درخصوص این موضوع با توجه به خلأ تحقیقاتی است. در این پژوهش تلاش شده خلأ تحقیقاتی موانع مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران اندکی جبران شود؛ از این رو از حیث موضوع و روش، دارای نوآوری است.

۳. چارچوب نظری

از آنجایی که نظام سیاست‌گذاری در هر کشور یکی از عوامل مؤثر در تحقق سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن به‌شمار می‌رود، تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب شالوده‌توسعه همه‌جانبه در کشور است. اگر تدوین سیاست‌های عمومی مورد نیاز کشور را رسالت اصلی نظام سیاست‌گذاری عمومی بدانیم، توجه به کیفیت سیاست‌های عمومی تدوین‌شده از بدیهیات نظام سیاست‌گذاری است؛ چراکه می‌توان بین توسعه کشور در تمام ابعاد و تدوین سیاست‌های عمومی مناسب و باکیفیت ارتباط مستقیمی ایجاد کرد. لذا یکی از بهترین راه‌ها برای تدوین درست و باکیفیت سیاست‌های عمومی که بتواند مشکلات جامعه را حل کند، مشارکت دادن نخبگان علمی در تدوین سیاست‌های عمومی

است. بنابراین نظام سیاسی کشور باید زمینه مشارکت نخبگان علمی را فراهم نماید تا کیفیت سیاست‌های عمومی ارتقا یابد و تضمین شود.

مشارکت نخبگان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری عمومی در توسعه جامعه بسیار مؤثر است؛ زیرا مهم‌ترین مرکز ثقل جامعه در توسعه‌یافتگی مشارکت نخبگان است (سریع‌القلم، ۱۳۹۲، صص. ۱۴۵-۱۶۵). به بیان دقیق‌تر، در حکمرانی خوب، مشارکت نخبگان و مردم نقش اثربخشی در تدوین سیاست‌های عمومی دارد. حکمرانی خوب مشتمل بر یک استراتژی اصلاحی وسیع برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است و حکومت را بازتر، پاسخ‌گوتر، حساب‌پس‌ده‌تر و دموکراتیک‌تر می‌سازد. در این رویکرد، بهترین راه رویارویی با یک مسئله ویژه برای تدوین سیاست‌های عمومی مشارکت نخبگان و مردم است. این امر به شرایط بستگی دارد؛ یعنی بسته به شرایط، باید بهترین راه حکمرانی را جست‌وجو کرد (Hughes, 2003, p. 77).

از این رو هرچقدر دولت زمینه‌های مشارکت نخبگان و مردم را در فرایند تدوین سیاست‌های عمومی فراهم نماید، ظرفیت سیاست‌گذاری افزایش می‌یابد. کامینگ و نورگارد^{۱۳} (2004) ظرفیت سیاست‌گذاری عمومی را توانایی استفاده ممکن از تمامی منابع فکری و سازمانی در تملک دولت تعریف کرده‌اند که در فرایند سیاست‌گذاری تأثیر دارد؛ همانند تخصص با تجربه داخلی یا خارجی به‌منظور تدوین سیاست‌های منسجم، مانا و به‌لحاظ سیاسی امکان‌پذیر می‌دانند.

از سوی دیگر مشارکت هرچه بیشتر نخبگان و عامه مردم، علاوه بر کاهش خطا در فراگرد سیاست‌گذاری حکومت، موجب می‌شود سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه جامعه ارتقا یابد. محافل نخبگی اغلب شامل بخشی از نخبگان از جمله دانشمندان، مدیران باسابقه دولتی و خصوصی، هنرمندان و نظایر آن، هستند که به بهانه‌های متعدد گرد هم می‌آیند و گاهی به انتشار نشریه، تشکیل حزب یا انجمن‌های تخصصی و مانند آن مبادرت می‌کنند. هنگام مرآوده با مراکز نخبگی، از ظرفیت اثرگذاری این مراکز برای تدوین سیاست‌های عمومی باید حداکثر استفاده شود؛ زیرا اغلب محافل نخبگی از ظرفیت اثرگذاری بسیاری برخوردارند و این ارتباط نیز به گسترش دایره مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها منجر می‌شود و ضامن بهبود در کیفیت تدوین سیاست‌های عمومی است (فیروزآبادی، پورعزت و اکبرپورشیازی، ۱۳۹۲، ص. ۶۱).

سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و مشارکت نخبگان علمی یکی از رویکردهای نوین در تدوین سیاست‌گذاری بخش عمومی است. این رویکرد اساساً به به‌کارگیری شواهد علمی در سیاست‌گذاری‌های روزمره می‌پردازد. در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد علمی کانون تمرکز بسیاری از دولت‌ها بوده و تلاش‌های زیادی برای بهره‌گیری از این

13. Cummings & Norgaard

رویکرد نوین در حوزه سیاست‌گذاری انجام شده است (Campbell et al., 2007, p. 25).

با وجود این، ضعف‌های اساسی و مهمی در فرایندهای قانون‌گذاری و تدوین سیاست‌های عمومی در ایران وجود دارد که این مهم ضرورت تحول در سبک حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی کشور را نمایان می‌کند؛ تحولی که فراتر از تغییر سطحی در رویه‌های انجام کاری یا بهینه‌سازی آن‌هاست؛ از همین رو تحقیق حاضر با موشکافی مشکلات موجود در مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به ارتقای فرایند سیاست‌گذاری عمومی در جامعه کمک مؤثری کند.

۴. روش تحقیق

بنیاد فلسفی این پژوهش، پارادایم تفسیری است؛ از حیث هدف، تحقیق کاربردی توسعه‌ای و از حیث نوع پژوهش، پژوهشی آمیخته (کیفی - کمی) است. قلمرو موضوعی پژوهش یکی از مباحث غامض اجتماعی و عمومی، یعنی عدم مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری عمومی، است. همچنین قلمرو مکانی پژوهش کشور ایران تعریف شده است. با توجه به کمبود مطالعات اثربخش و غنی در فصل مشترک قلمرو موضوعی و مکانی، باید از روش کیفی در جهت فهم تجربه زیسته بهره گرفت. بر این مبنای جایگاه و نقش چارچوب نظری پژوهش، در این تحقیق همچون دیگر مطالعات کیفی، مبتنی بر ارتقای حساسیت نظری پژوهشگران و دستیابی به چارچوب فکری اولیه جهت تدوین نخستین سؤالات مصاحبه است. بر این اساس، در مرحله جمع‌آوری اطلاعات، پس از مرور کتابخانه‌ای، از روش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته کمک گرفته شد تا موانع مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی شناسایی شود. در انتخاب خبرگان پژوهش، از روش گلوله‌برفی استفاده شد و مصاحبه تا اشباع نظری^{۱۴} ادامه یافت. جهت حصول اشباع نظری، با ۲۶ خبره از استادان سیاست‌گذاری عمومی، مدیریت دولتی، علوم سیاسی، اقتصاد و نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی و وزیران مصاحبه شد. در این مرحله، ۴۷ مفهوم فرعی استخراج و پس از آن، ۹ مقوله اصلی به شرح **جدول ۲** استنتاج شد. در تحلیل مصاحبه‌ها، از روش نمونه‌گیری نظری در قالب محتوای کیفی استفاده شد.

نُه مقوله اصلی نهایی در واقع مسائل اصلی عدم مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری است که باید به یکی از روش‌های ساختاردهی به مسئله صورت‌بندی شود و مبنای عمل قرار گیرد. توضیح اینکه، ساختاردهی به مسئله فرایندی از تولید و آزمون مسائل حقیقی است که چهار مرحله به هم مرتبط را دربر می‌گیرد: جست‌وجوی مسئله، تعریف مسئله، تصریح مسئله و احساس مسئله. روش‌های متعددی در انجام فعالیت‌های ساختاردهی مسئله در هر مرحله مفید است. این روش‌ها به همراه اهداف، رویه‌ها، منابع دانش و معیار عملکرد مربوط به آن‌ها در **جدول ۱** بیان شده است.

14. saturation

جدول ۱. مقایسه روش‌های ساختاردهی به مسئله

روش	هدف کلی	رویه	منبع دانش	معیار عملکرد
تحلیل مرزی ^{۱۵}	تخمین مرزهای فرامسئله	نمونه‌گیری کامل و استنباط مسئله	ذی‌نفعان	صحت مرزهای محدوده
تحلیل طبقه‌بندی ^{۱۶}	وضوح مفاهیم	تقسیم منطقی و طبقه‌بندی مفاهیم	تحلیلگر	قواعد منطقی
تحلیل سلسله‌مراتبی ^{۱۷}	شناسایی علل ممکن، معقول و قابل تعقیب قانون	تقسیم منطقی و طبقه‌بندی علت‌ها	تحلیلگر	قواعد منطقی
سینکتیک ^{۱۸}	شناسایی شباهت‌ها میان مسائل	ساخت مشابهات شخصی، مستقیم، نمادی و خیالی	گروه	مقبول بودن
طوفان فکری ^{۱۹}	تولید ایده‌ها، اهداف و راهبردها	تولید ایده و ارزشیابی	گروه	اجماع
تحلیل چندمنظری ^{۲۰}	تولید بینش	استفاده از منظرهای فنی، سازمانی و شخصی	گروه	اجماع
تحلیل فرض ^{۲۱}	ترکیب خلاقانه فرض‌های متعارض	شناسایی ذی‌نفع، ظاهر کردن، به‌چالش کشیدن و ترکیب فرض	گروه	تعارض
نگاشت احتجاج	تفکر انتقادی	تحلیل باورپذیری احتجاج‌ها	گروه	مقبول بودن
مدل‌سازی ساختاری تفسیری	ترسیم شبکه مسائل بر مبنای سطح اثرگذاری	شناسایی مسائل، شناسایی خبرگان و جمع‌آوری نظرات آنان	گروه خبرگان	اجماع
تحلیل اهمیت عملکرد - اهمیت	شناسایی اهمیت عملکرد مسئله	شناسایی مسائل، شناسایی خبرگان و جمع‌آوری نظرات آنان بر مبنای مختصات دوتعدی	گروه خبرگان	اجماع
تکنیک دیمتل	ترسیم شبکه مسائل بر مبنای شدت اثر	شناسایی مسائل، شناسایی خبرگان و جمع‌آوری نظرات آنان بر مبنای مختصات دوتعدی	گروه خبرگان	اجماع

(منبع: Dunn, 2018, p. 90 به نقل از آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۵)

در پژوهش حاضر، با توجه به نوع مسئله، از طریق روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، مسائل مستخرج در قالب مقوله‌های اصلی تحلیل شد و در نهایت روابط، و تقدم و تأخر

-
15. Boundary analysis
 16. Classification analysis
 17. Hierarchy analysis
 18. Syntectics
 19. Brain storming
 20. Multiple perspective analysis
 21. Assumption analysis

اثرگذاری در قالب مدل ارائه گردید. برای اجرای روش‌شناسی مدل‌سازی ساختاری - تفسیری نیز، با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۲۰ پرسش‌نامه میان خبرگان توزیع شد و پس از دریافت، مبنای این پژوهش قرار گرفت.

توجه شود که مدل‌سازی ساختاری - تفسیری یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن، مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با هم در یک مدل نظام‌مند جامع ساختار بندی می‌شوند (آذر و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۶). از این روش می‌توان برای تجزیه و تحلیل ارتباط بین ویژگی‌های چند متغیر که برای یک مسئله تعریف شده‌اند، استفاده کرد (Warfield, 1974, p. 55) و با تجزیه معیارها در چند سطح مختلف، تحلیل ارتباط بین شاخص‌ها انجام می‌شود (Kannan, Pokharel & Kumar, 2009, p. 35).

در خصوص اعتباریابی یافته‌های پژوهش، پژوهشگران کیفی به دلیل افزایش اعتبار پژوهش خود باید حداقل از دو راهبرد بهره بگیرند (Creswell & Creswell, 2017, p. 15). در پژوهش حاضر، برای اعتباریابی نتایج روش تحلیل محتوای کیفی، از سه روش اعتباریابی زیر استفاده شد:

۱. تطبیق اعضا: نظرهای دو نفر از استادان و دو نفر از دانشجویان دکتری رشته مدیریت دولتی گرایش سیاست‌گذاری درباره گزارش، فرایند و داده‌های پژوهش دریافت و عناوین تعدادی از مفاهیم مطابق نظرهای اصلاحی ایشان بازبینی شد.

۲. درگیری طولانی‌مدت با موضوع پژوهش: به دلیل جذابیت موضوع پژوهش و مصاحبه با استادان برجسته و شاخص از دانشگاه‌های معتبر داخلی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزیران ادوار گذشته، زمان زیادی طول کشید.

۳. کثرت‌گرایی: کثرت‌گرایی در این پژوهش شامل تکثر مکانی و کثرت مشارکت‌کنندگان در پژوهش است. تکثر مکانی به این معناست که با استادان مختلف و شاخص دانشگاه‌های معتبر داخلی مصاحبه انجام شد و مقصود از تکثر مشارکت‌کنندگان نیز این است که ۲۶ مصاحبه با استادان دانشگاه‌های مختلف و پژوهشگران سیاست عمومی، نمایندگان مجلس و وزیران به‌عنوان سیاست‌گذاران انجام شد. لذا می‌توان نتیجه گرفت پژوهش حاضر از روایی مناسب برخوردار است.

همچنین، بنابه نظر کرسول (2017)، برای حصول اطمینان از پایایی پژوهش از این دو روش استفاده شد: الف. یادداشت‌برداری مفصل و دقیق؛ ب. کدگذاری ناشناس به کمک کدگذاری که جزو تیم پژوهش نیست.

۵. یافته‌های تحقیق

در این قسمت، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با خبرگان به روش کدگذاری باز، محوری

و انتخابی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به‌منظور تعیین چگونگی اثرگذاری یا اثرپذیری ۹ مقوله اصلی بر یکدیگر، پرسش‌نامه به شیوه مدل ساختاری تفسیری طراحی شد و در اختیار ۲۰ نفر از خبرگان قرار گرفت. داده‌های دریافتی از این پرسش‌نامه اثرگذاری یا اثرپذیری مقوله‌ها براساس مدل‌سازی ساختاری تفسیری بر یکدیگر تعیین شد و ۴ سطح مورد شناسایی قرار گرفت و ارتباط مفهومی عناصر و تدوین مدل نهایی انجام شد.

جدول ۲. مقوله‌های کلی و فرعی موانع مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مقوله اصلی	مفاهیم اولیه
۱	نبود ارتباط نظام‌مند نخبگان و حاکمیت	احساس استغناى بخشی از حاکمیت از نخبگان علمی
		نبود اراده سیاسی برخی مسئولان جهت جلب مشارکت نخبگان علمی
		ضعف تناسب ساختاری نظام جمهوری اسلامی ایران جهت ارتباط نظام‌مند با نخبگان علمی
		نبود رابطه دوسویه، فعال و در نتیجه یادگیرنده بین حکومت و نخبگان علمی
		وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری
۲	ضعف احزاب سیاسی و اتاق‌های فکر در نظام جمهوری اسلامی ایران	بدبینی و بی‌اعتمادی نخبگان و مسئولان به همدیگر
		بعضاً استفاده ابزاری و زینتی از نخبگان علمی در راستای اهداف سیاسی
		ضعف احزاب سیاسی و رویکرد سطحی و مقطعی آن‌ها در ایران
		تعداد اندک و ضعیف اتاق‌های فکر در نظام جمهوری اسلامی ایران
		محدود شدن جمهوریت نظام در مشارکت‌های سیاسی و ضعف جدی در جلب مشارکت در عرصه‌های دیگر و البته عرصه‌های علمی و فنی
۳	نبود فرهنگ شایسته‌سالاری	اعمال نظر شخصی و سلیقه‌ای بودن سیاست‌گذاری در عوض سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد
		نبود شایسته‌سالاری در نظام مدیریت دولتی ایران
		نبود ضوابط و مقررات جهت جذب و نگهداری نیروهای دانشگر در ایران و به‌کارگیری آن‌ها
۴	فقدان نظام مدیریت دانش در ایران	قبیله‌گرایی و عدم چرخش مدیران در نظام حکمرانی
		ضعف مدیریت دانش در ایران
		ضعف حضور نیروهای دانشگر در تدوین و اجرا و ارزیابی سیاست‌های عمومی در ایران
۵	سیاست‌زدگی مفرط در حکمرانی	وجود نگاه کوتاه‌مدت و مقطعی در حکومت‌داری که موجب تصمیم‌گیری‌های فوری و بدون کارشناسی می‌شود.
		فرایندهای به‌شدت سیاست‌زده در ایران
		سیاسی کردن امور حرفه‌ای و تخصصی
		تعدد و تنوع لایه‌های حکمرانی به‌مثابه جعبه سیاه حکمرانی در مواجهه با نخبگان (سیاسی، خوشاوندی، باندى و حزبی)
		سیاسی کردن محیط علم و دانشگاه با ورود سیاسیون و مدیران به دانشگاه‌ها جهت تحصیل

ردیف	مقوله اصلی	مفاهیم اولیه
۶	ضعف فرهنگ تحمل مخالف و تضارب آرا در کشور	ضعف فرهنگی مانع مشارکت نخبگان علمی است.
		تحمل نکردن مخالف و تضارب آرا از سوی برخی از مسئولان
		فقدان پذیرش جایگاه علم و نخبگان علمی توسط جامعه
		فربه نبودن و ضعف شخصیت برخی از مسئولان و عزت‌نامدی آن‌ها
		وجود فرهنگ چاپلوسی و تملق‌گویی در کشور
		استقبال نکردن از نظرات دیگران توسط برخی مسئولان به دلیل خودشیفتگی و قالب‌اندیشی
۷	کمبود شخصیت‌های هیبریدی (علم فهم و سیاست فهم) در نظام جمهوری اسلامی ایران	قدرت‌ناشناسی از برخی مسئولان سیاسی کارآمد توسط نخبگان و مردم
		نداشتن قدرت ریسک‌پذیری مسئولان
		ناهمسویی نهاد علم و نهاد سیاست در نظام جمهوری اسلامی ایران
		فقدان فهم الزامات و مقتضیات عرصه سیاست از سوی نخبگان علمی
		نداشتن فهم فرهنگ علم و دانشگاه از سوی مسئولان سیاسی
		نامتناسب بودن جایگاه و ارزش نخبگان علمی و سیاسی
۸	نبود ارتباط نهادینه، بین انجمن‌های علمی، اندیشکده‌ها و مراکز سیاست‌پژوهی و مراکز سیاست‌گذاری	نقش کم‌رنگ شخصیت‌های هیبریدی در نهادهای مشورتی نظام حکمرانی ایران و غلبه نگاه سیاسی در این شوراها
		نبود ارتباط جدی و مستمر میان مراکز سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری در ایران
		نبود استقلال مالی اندیشکده‌ها و مراکز سیاست‌پژوهی
		نگاه سیاسی و مقطعی به مراکز سیاست‌پژوهی و در نتیجه خالی شدن مراکز سیاست‌پژوهی از نخبگان علمی
		استفاده نکردن از ظرفیت انجمن‌های علمی توسط دولت و نمایندگان مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل خلأ قانونی
		تفاوت گفتمانی مراکز سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری و در نتیجه تفاوت در روایت‌ها از مسئله و راهکارها
۹	ضعف علمی و ارتباطی نخبگان علمی	کاهش کیفیت آموزشی و علمی دانشگاه‌ها و در نتیجه خروجی‌های آن‌ها
		ضعف نخبگان علمی در شناسایی و درک مسائل ایران با توجه به فرهنگ اسلامی ایرانی
		ضعف جدی در فهم زبان و فرهنگ سیاسی و سیاسیون توسط نخبگان علمی
		کم‌اطلاعی نخبگان علمی از عرصه اجرا و اداره و مقتضیات دستگاه‌های اجرایی
		مسئولیت‌ناپذیری و پاسخ‌گو نبودن پس از ارائه راه‌حل توسط نخبگان علمی در ایران
		تناسب نداشتن نسخه‌های نخبگان با شرایط ایران
نبود گفتمان واحد یا لاقل هم‌گرا برای حل همه مشکلات کشور توسط نخبگان علمی		
نبود نگاه سازوکاری و کارکردی در نخبگان علمی و توجه صرف به نگاه توصیفی و انتقادی		

(منبع: نتایج پژوهش)

۵-۱. تحلیل ثانویه یافته‌ها و ارائه مدل ساختاری تفسیری

در این تحقیق، با استفاده از نظرات خبرگان، ۹ مانع به‌عنوان مفاهیم کلیدی شناسایی و با روش‌شناسی مدل‌سازی ساختاری تفسیری تحلیل شد. با توجه به اینکه تعداد خبرگان تحقیق کم بوده و روش ISM در دستة روش‌های کیفی قرار می‌گیرد، استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین برای انتخاب موانع اصلی شاخص مناسبی نیست؛ به همین منظور از نظرات استفاده شد. این موانع در **جدول ۳** آمده است.

جدول ۳. موانع مشارکت نخبگان در فرایند سیاست‌گذاری

کدها	موانع مشارکت نخبگان در فرایند تدوین خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران	ردیف
M1	ضعف فرهنگ تحمل مخالفت و تضارب آرا در کشور	۱
M2	ضعف احزاب سیاسی و اتاق‌های فکر در نظام جمهوری اسلامی ایران	۲
M3	نبود فرهنگ شایسته‌سالاری	۳
M4	فقدان نظام مدیریت دانش در ایران	۴
M5	کمبود شخصیت‌های هیبریدی (علم فهم و سیاست فهم) در نظام جمهوری اسلامی ایران	۵
M6	سیاست‌زدگی مفرط در حکمرانی	۶
M7	نبود ارتباط نظام‌مند نخبگان و حاکمیت	۷
M8	نبود ارتباط نهادینه بین انجمن‌های علمی، اندیشکده‌ها و مراکز خط‌مشی‌پژوهی و مراکز خط‌مشی‌گذاری	۸
M9	ضعف علمی و ارتباطی نخبگان علمی	۹

(منبع: نتایج پژوهش)

ابتدا جهت تشکیل ماتریس تعامل ساختاری، یک ماتریس نه در نه شامل موانع مشارکت نخبگان تشکیل شد و سپس با قرار دادن ۹ مانع اصلی در سطرها و ستون‌های یک ماتریس، از خبرگان خواسته شد تا درخصوص اثرگذاری موانع به‌طور زوجی اظهار نظر نمایند. خبرگان براساس اصول زیر ماتریس‌ها را تکمیل کردند.

به‌زای هر « i, j » ارتباط میان این دو متغیر در چارچوب بررسی زیر است:

V: متغیر i برای رسیدن به متغیر j کمک می‌کند.

A: متغیر j فقط توسط متغیر i بهبود می‌یابد.

X: متغیر i, j برای رسیدن به همدیگر کمک خواهند کرد.

O: متغیرهای i, j بدون ارتباط هستند.

چنانچه i, j در ماتریس SSIM (Structural Self-Interaction Matrix) به‌صورت V باشد، در ماتریس دستیابی (i, j) به 1 و (j, i) به صفر تبدیل می‌شود. چنانچه (i, j) در ماتریس SSIM به‌صورت A باشد، در ماتریس دستیابی (i, j) به صفر و (j, i) به 1 تبدیل می‌شود. چنانچه (j, i) به‌صورت X وارد شود، در ماتریس دستیابی به 1 و (j, i) نیز به 1 تبدیل می‌شود. چنانچه (i, j) به‌صورت O وارد شود، (i, j) و (j, i) صفر می‌شود.

جدول ۴. ماتریس تعاملی ساختاری (ماتریس مقایسه‌معیارها)

M_9	M_8	M_7	M_6	M_5	M_4	M_3	M_2	M_1	
A	A	A	X	A	A	X	A		M_1
A	X	A	V	V	X	X			M_2
X	A	A	X	A	A				M_3
A	X	A	V	V					M_4
A	A	A	V						M_5
A	A	A							M_6
X	V								M_7
A									M_8
									M_9

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

ماتریس دستیابی اولیه با توجه به ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها، به‌طوری که اگر رابطه به‌صورت V بود، آن‌گاه $(i, j) = 1$ و سپس $(j, i) = 0$ ؛ اگر رابطه به‌صورت A بود، آن‌گاه $(i, j) = 0$ و سپس $(j, i) = 1$ ؛ چنانچه رابطه به‌صورت X بود، $(j, i) = 1$ ؛ اگر رابطه به‌صورت O بود، $(j, i) = 0$ است، ایجاد گردید. پس از اینکه ماتریس دستیابی اولیه به‌دست آمد، باید سازگاری درونی آن برقرار شود. برای نمونه اگر متغیر ۱ به متغیر ۲ و متغیر ۲ هم به متغیر ۳ منجر شود، باید

متغیر ۱ نیز به متغیر ۳ منجر شود و اگر در ماتریس دستیابی این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح و روابطی که از قلم افتاده، جایگزین شوند. با استفاده از قوانین ریاضی برای ایجاد سازگاری، ماتریس دسترس‌پذیری به توان $K+1$ رسانده می‌شود؛ به طوری که $K \geq 1$ بوده و عملیات به توان رساندن ماتریس طبق قاعده بولی است. در این تحقیق، ماتریس فوق ۵ بار به توان رسید تا حالت پایدار که در **جدول ۵** نشان داده شده، به دست آمد.

جدول ۵. ماتریس دستیابی اصلاح‌شده (ماتریس دستیابی نهایی)

M_9	M_8	M_7	M_6	M_5	M_4	M_3	M_2	M_1	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	M_1
۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	M_2
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	M_3
۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	M_4
۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	M_5
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	M_6
۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	M_7
۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	M_8
۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	M_9

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

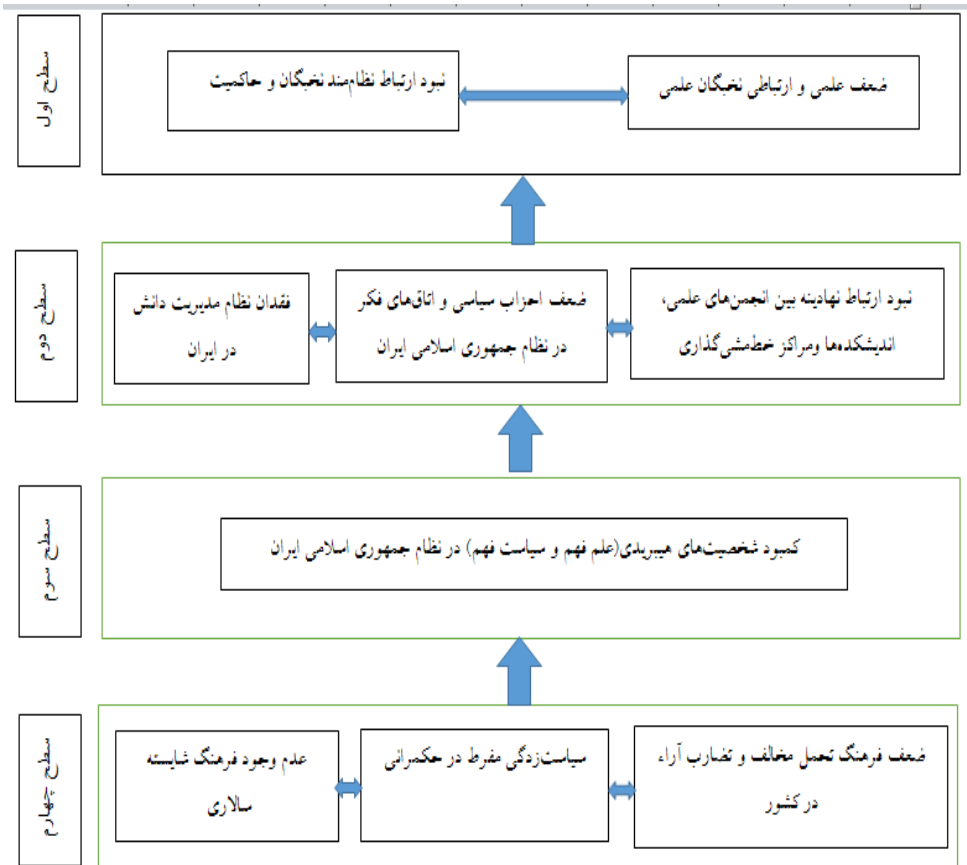
با به دست آمدن ماتریس دستیابی برای تعیین معیارها، دو مجموعه قابل دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز تعریف و سپس اشتراک آن‌ها به دست آورده شد؛ بدین ترتیب که مجموعه قابل دستیابی مجموعه‌ای است که در آن سطرها، عدد معیارها به صورت ۱ ظاهر شده و مجموعه پیش‌نیاز مجموعه‌ای است که در آن ستون‌ها، عدد معیارها به صورت ۱ ظاهر شده باشد. با به دست آوردن اشتراک این دو مجموعه، ستون بعدی جدول (اشتراک) تکمیل خواهد شد. اولین سطری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی باشد، سطح اول اولویت مشخص خواهد شد. این بدین معناست که این معیار به شدت تحت تأثیر سایر معیارها بوده و اثرگذاری کمی بر سایر معیارها دارد. پس از تعیین سطح هر یک از متغیرها، متغیر مذکور کنار گذاشته می‌شود و سطح‌بندی برای سایر متغیرها به همین ترتیب، تا زمان تعیین سطح تمامی متغیرها، تکرار می‌گردد. در این پژوهش، پس از ۵ تکرار، تمام عناصر تعیین سطح شدند که نتایج آن در **جدول ۶** مشاهده می‌شود.

جدول ۶. سطوح موانع مشارکت نخبگان در فرایند سیاست‌گذاری

موانع	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	اشتراک	سطح
۱	۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۶ و ۳ و ۱	۶ و ۳ و ۱	۴
۲	۹ و ۸ و ۷ و ۴ و ۲	۸ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۸ و ۴ و ۲	۲
۳	۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۶ و ۳ و ۱	۶ و ۳ و ۱	۴
۴	۹ و ۸ و ۷ و ۴ و ۲	۸ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۸ و ۴ و ۲	۲
۵	۹ و ۸ و ۷ و ۵ و ۴ و ۲	۶ و ۵ و ۳ و ۱	۵	۳
۶	۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۶ و ۳ و ۱	۶ و ۳ و ۱	۴
۷	۹ و ۷	۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۹ و ۷	۱
۸	۹ و ۸ و ۷ و ۴ و ۲	۸ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۸ و ۴ و ۲	۲
۹	۹ و ۷	۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱	۹ و ۷	۱

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

دی‌گرام نهایی براساس سطوح به‌دست‌آمده در گام قبلی و طبق ماتریس دست‌یابی نهایی ترسیم می‌گردد. با توجه به سطوح هریک از موانع و همچنین ماتریس دست‌یابی نهایی، مدل اولیه ساختاری تفسیری با در نظر گرفتن انتقال‌پذیری‌ها رسم می‌شود. موانعی که در سطوح بالای سلسله‌مراتب قرار دارند، از تأثیرگذاری کمتری برخوردارند. در واقع این موانع بیشتر برگرفته از موانع سطوح پایین‌تر هستند. هرچه موانع در سطوح پایین‌تری قرار داشته باشند، تأثیرات بیشتری بر همه عناصر سیستم دارند. شکل ۱ مدل مورد نظر را نشان می‌دهد. در بالاترین سطح، موانع «نبود ارتباط نظام‌مند نخبگان و حاکمیت» و «ضعف علمی و ارتباطی نخبگان علمی» قرار گرفته که این موانع متأثر از سایر موانع هستند و به‌خودی‌خود بر عوامل دیگر اثر نمی‌گذارند. موانع «ضعف فرهنگ تحمل مخالف و تضارب آرا در کشور»، «نبود فرهنگ شایسته‌سالاری» و «سیاست‌زدگی مفرط در حکمرانی» بیشترین تأثیر را بر دیگر موانع دارند و در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند. هرچقدر شاخص‌ها در سطح بالاتری قرار گیرند، قدرت محرک بودن آن‌ها کمتر و میزان وابستگی بیشتر می‌شود.



شکل ۱. مدل ISM موانع مشارکت نخبگان در فرایند تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران

۲.۵. تحلیل MICMAC

برای سطح‌بندی موانع، در ماتریس نهایی باید برای هر یک از موانع قدرت محرکه (نفوذ) و قدرت وابستگی محاسبه شود. جمع سطری مقادیر در ماتریس دستیابی نهایی برای هر مانع بیانگر میزان نفوذ و جمع ستونی نشانگر میزان وابستگی خواهد بود. موانعی که در سطوح پایین‌تر مدل قرار دارند، به دلیل دارا بودن قدرت پیش‌برندگی بیشتر، موانع هادی تلقی می‌شوند و موانعی که در سطوح بالاتر قرار دارند، به دلیل وابستگی به موانع هادی، پیرو محسوب می‌شوند.

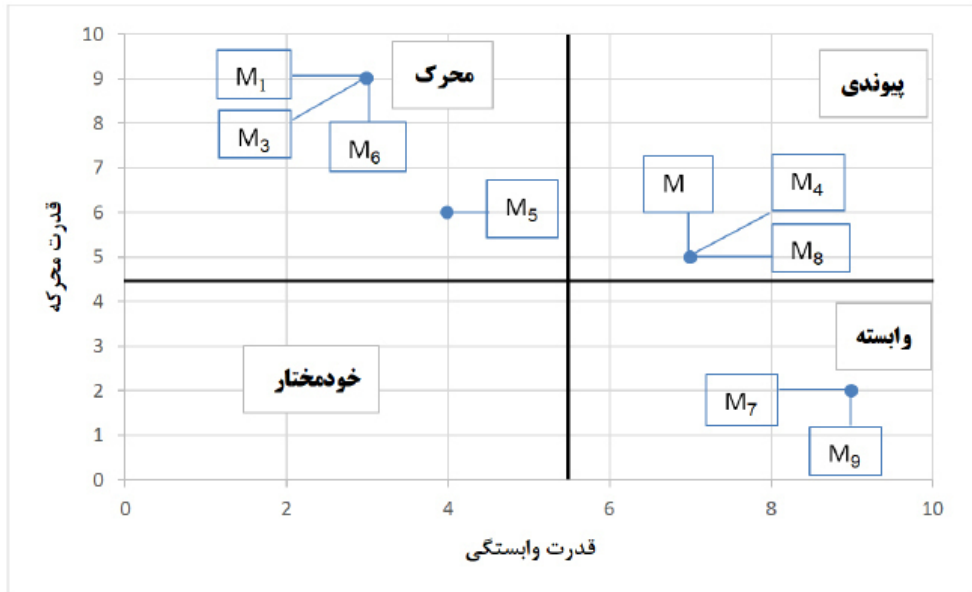
جدول ۷. تحلیل MICMAC (محاسبه قدرت نفوذ و وابستگی عوامل)

کدها	موانع مشارکت نخبگان در فرایند تدوین خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران	قدرت وابستگی	قدرت محرک
M _۱	ضعف فرهنگ تحمل مخالف و تضارب آرا در کشور	۳	۹
M _۲	ضعف احزاب سیاسی و اتاق‌های فکر در نظام جمهوری اسلامی	۷	۵
M _۳	نبود فرهنگ شایسته‌سالاری	۳	۹
M _۴	فقدان نظام مدیریت دانش در ایران	۷	۵
M _۵	کمبود شخصیت‌های هیبریدی (علم‌فهم و سیاست‌فهم) در نظام جمهوری اسلامی	۴	۶
M _۶	سیاست‌زدگی مفرط در حکمرانی	۳	۹
M _۷	نبود ارتباط نظام‌مند نخبگان و حاکمیت	۹	۲
M _۸	نبود ارتباط نهادینه بین انجمن‌های علمی، اندیشکده‌ها و مراکز خط‌مشی‌پژوهی و مراکز خط‌مشی‌گذاری	۷	۵
M _۹	ضعف علمی و ارتباطی نخبگان	۹	۲

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

پس از تعیین قدرت محرک یا اثرگذاری و قدرت وابستگی موانع، تمامی موانع در یکی از خوشه‌های چهارگانه، مطابق شکل ۲، قرار می‌گیرند. بر روی ماتریس مورد نظر، نقاط مرزی معمولاً یک واحد بزرگ‌تر از میانگین تعداد عوامل هستند. به عبارت دیگر، برای مثال در این تحقیق با توجه به اینکه تعداد موانع برابر ۹ است، نقاط مرزی روی ماتریس اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی برابر ۵،۵ در نظر گرفته می‌شود. نقاط مرزی باید به گونه‌ای باشد که به خوبی عوامل مختلف را در خوشه‌های مورد نظر تفکیک نماید. همان‌طور که در شکل ۲ نیز مشخص است، موانع شماره ۱، ۳ و ۶ که به ترتیب «ضعف فرهنگ تحمل مخالف و تضارب آرا در کشور»، «نبود فرهنگ شایسته‌سالاری» و «سیاست‌زدگی مفرط در حکمرانی» هستند، در بالاترین نقطه ناحیه خوشه محرک یا اثرگذار قرار گرفته‌اند و کمتر تحت تأثیر سایر عوامل بوده و از منظر سیستمی جزو عناصر مستقل محسوب می‌شوند. موانع شماره ۷ و ۹ در بالاترین نقطه ناحیه خوشه وابستگی و پایین‌ترین سطح ناحیه محرک یا اثرگذار قرار گرفته‌اند؛ این بدین معناست که موانع «نبود ارتباط نظام‌مند نخبگان و حاکمیت» و «ضعف علمی و ارتباطی نخبگان علمی» در واقع کمترین تأثیر را بر عدم مشارکت نخبگان در سیاست‌گذاری گذاشته‌اند. به

عبارت دیگر، این دو عامل، خروجی تعاملات میان موانع دیگر به‌شمار می‌روند.



شکل ۲. تحلیل MICMAC (دسته‌بندی موانع در خوشه‌های چهارگانه)



۶. نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری عمومی دستاوردهای منحصربه‌فردی را برای حل مسائل اجتماعی به‌ارمغان آورده که از دیدگاه عقلایی مرحله‌ی شکل‌گیری، مهم‌ترین مرحله‌ی سیاست‌گذاری است که بیشترین چالش‌ها را به‌همراه دارد؛ زیرا فرایند تدوین سیاست و هرآنچه بر اثر بخشی این فرایند تأثیر می‌گذارد، از عوامل پراهمیت در موفقیت سیاست‌گذاری است.

عرصه‌ی سیاست‌گذاری عمومی نیازمند فرایند نظام‌مند و هدفمند برای تولید داده‌های مناسب و معتبر، پردازش و تبدیل آن به دانش کاربردی است تا از میزان و کیفیت تحقق اهداف سیاست‌ها و برنامه‌ها، آثار و پیامدهای آن‌ها و موفقیت یا شکست آن‌ها آگاهی داشته و از آن دانش برای سیاست‌گذاری عمومی و تصمیم‌گیری در همه‌ی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهت ارتقای حکمرانی خوب بهره‌گرفته شود.

رویکرد به‌کارگیری مشارکت‌نخبگان در فرایند تدوین سیاست‌های عمومی بر این منطق استوار است: استفاده از مشارکت‌نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی به بهبود

تدوین و اجرای سیاست‌ها می‌انجامد و بی‌اعتنایی به این رویکرد ممکن است نتایج فاجعه‌باری را در اجرای سیاست به‌همراه داشته باشد. براساس یافته‌های این پژوهش، ۹ مقوله اصلی در قالب ۴۷ مقوله فرعی تحت عنوان موانع مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران با ۲۶ مصاحبه عمیق با خبرگان دانشگاهی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزیران ادوار مختلف در نظام حکمرانی ایران شناسایی و در ۴ سطح اولویت‌بندی شد. مطابق نتایج تحقیق، در بالاترین سطح موانع «نبود ارتباط نظام‌مند نخبگان و حاکمیت» و «ضعف علمی و ارتباطی نخبگان علمی» قرار گرفته‌اند که این موانع متأثر از سایر موانع هستند و به‌خودی‌خود تأثیری بر عوامل دیگر نمی‌گذارند. موانع «ضعف فرهنگ تحمل مخالف و تضارب آرا در کشور»، «نبود فرهنگ شایسته‌سالاری» و «سیاست‌زدگی مفرط در حکمرانی» نیز بیشترین تأثیر را بر دیگر موانع دارند و در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند. بنابراین مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران باید با یک برنامه‌ریزی هدف‌دار و جهت‌دار، این موانع را رفع نمایند تا شرایط و بستر لازم جهت مشارکت نخبگان در تدوین نظام سیاست‌گذاری کشور فراهم شود.

۷. پیشنهادها

بر مبنای یافته‌های پژوهش، با تمرکز بر ضرورت رفع دو مانع اصلی در مشارکت خبرگان در تدوین سیاست‌های عمومی، متمرکز بر نبود ارتباط نظام‌مند نخبگان و حاکمیت، و ضعف علمی و ارتباطی نخبگان علمی، پیگیری راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- تأسیس مراکز سیاست‌پژوهی و اتاق‌های فکر در تمام نهادهای اجرایی کشور مشروط بر مشارکت علما و دانشمندان در تصمیم‌سازی‌ها؛

- تشکیل دانشکده‌های حکمرانی جهت تربیت شخصیت‌های هیبریدی (علم فهم سیاست فهم) در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور ارتقای کیفیت حکمرانی در کشور. در کنار این راهکار خاص، تدوین راهبردهایی برای رفع هر یک از موانع نُه‌گانه شناسایی‌شده، کمک مؤثری به ارتقای سطح مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی خواهد کرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Afrasiabi, R., & Maleki, A. (2020). Analyzing public policy from the perspective of Islam based on justice and cooperation: the case of education in Bojnourd city. *Innovative Research Approaches in Management and Accounting*, 4(29), 1-15. Received from: <http://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/344>. (Persain)
- Alavi, P. (2015). *Political connections, relations, development and political contribution*. Tehran: Modern Science Press. (Persain)
- Azar, A., Khosravani, F., & Jalali, R. (2016). *Research in soft mission through structured problem solving*. Tehran: Institute of Industrial Management. (Persain)
- Birkland, T. (2015). *An introduction to the policy process: Theories, concepts, and models of public policy making* (3rd ed.). New York: Rutledge.
- Campbell, S. et al. (2007). *Analysis for policy: evidence-based policy in practice*. Government Social Research Unit. HM Treasury.
- Cheng, C. H. (1997). Evaluating naval tactical missile systems by fuzzy AHP based on the grade value of membership function. *European Journal of Operational Research*, 96(2), 343-350.
- Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2017). *Research design: qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Sage publications.
- Cummings, S., & Norgard, O. (2004). Conceptualizing state capacity: comparing Kazakhstan Kyrgyzstan. *Political Studies*, 52(4), 685-708.
- Daneshfard, K. (2010). *The process of public policy making*. Tehran: Islamic Azad University Press. (Persain)
- De Reuver, M., Stein, S., Hampe, F., & Bouwman, H. (2010). *Towards a service platform and business model for mobile participation paper presented at the mobile, business and 2010 ninth global mobility roundtable (ICMB – GMR)*. 2010 ninth international conference on.
- Dunn, William N. (2018). *Public policy analysis an integrated approach*. New York: Rutledge.
- Echikwonye, R. A., & Beetseh, K. (2011). The role of public policy making and development in Nigeria. *Journal of Social Science and Public Policy*, 3, 53-64.
- Evans, K., Flores, S., & Larson, A. (2019). Participatory monitoring in forest communities to

improve grievance, accountability and women's participation. *Original Research*, 1-20.

- Falanga, R., Cebulla, A., Principi, A., & Socci, M. (2021). The participation of senior citizens in policy-making: patterning initiatives in Europe. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(1), 34, 1-21.
- Firoozabadi, M., Poorezat, A., & Akbarpoor Shirazi, M. (2013). The role of think-tank centers in improving social capital for encouraging the involvement of social class in the process of policy making. *Journal of Policy, Science, and Technology*, 2, 55-62. (Persain)
- Gerasimova, V., & Mokichev, S. (2015). The university as a center of concentration of knowledge and reproduction of the intellectual elite. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 2618-2621.
- Ghafari, Gh., & Niazi, M. (2007). *Cooperative sociology*. Tehran: Nazdik Press. (Persain)
- Gheisari, F., Salajeghe, S., Beigzadeh Abasi, F., & Sheikhi, A. (2019). Analyzing the agents of public policy making effecting applying the administrative policies. *Strategic Management Studies*, 38, 175-205. (Persain)
- Giommoni, T. (2021). Exposure to corruption and political participation: Evidence from Italian municipalities. *European Journal of Political Economy*, 68, 1-31.
- Govindan, K., Shaligram, P., Sasi, K. (2009). A hybrid approach using ISM and fuzzy TOPSIS for the selection of reverse logistics provider. *Resources, Conservation and Recycling* 54, 28-36.
- Grogoryev, L. (2015). The elites demand for law: overcrowded streetcar (tram) effect. *Russian Journal of Economics*, 1, 313-327.
- Hafner-Burton, E. M., Hughes, D. A., & Victor, D. G. (2013). The cognitive revolution and the political psychology of elite decision making. *Perspectives on Politics*, 11(2), 368-386.
- Hajipoor, E., Foruzandeh, L., Danayifard, H., & Fani, A. (2015). A model for the pathological study of public policy making in Iran. *Military Management*, 58(15), 1-23. (Persain)
- Howlett, M., & Lejano, R. P. (2013). Tales from the crypt: the rise and fall (and rebirth?). *Policy Design Administration & Society*, 45(3), 357-381.
- Hughes, O. (2003). *Public management & administration: An introduction* (3rd ed.). Palgrave.
- Johnmik, C., & Botlhomwiwe, M. (2017). Elite interests and political participation in Botswana, 1966-2014. *Journal of Contemporary African Studies*, 35(1), 54-72.

- Kannan, G., Pokharell, S., & Kumar, P. S. (2009). A hybrid approach using ISM and fuzzy TOPSIS for the selection of reverse logistics provider. *Resources, Conservation and Recycling*, 54(1), 28-36.
- Matti, D. Jan (2017). Curbing protest through elite co-optation? Regional protest mobilization by the Russian systemic opposition during the for fair elections protests 2011-2012. *Journal of Eurasian Studies*, 8(2), 109-122.
- Matto, M., Giuseppe, I., Alessandro, I., Andrea, & Rapisarda, P. (2016). Modelling stakeholder participation in transport planning. *Case Studies on Transport Policy*, 4(3), 230-238.
- Mees, H., Uittenbroek, C., Hegger, D., & Driessen, P. (2019). From citizen participation to government participation: an exploration of the roles of local governments in community initiatives for climate change adaptation in the Netherlands. *Environment Policy and Governance*, 29(3), 198-208.
- Niazni, S. (2002). *The problems of social contribution in Kashan*. PhD Dissertation in Sociology. Isfahan University, Isfahan, Iran. (Persain)
- Noorian, A. (2014). The role of political intellectuals in balanced development of Asian nations. *Institute of Humanities and Cultural Studies*, 5(2), 133-158. (Persain)
- Ondetti, G. (2017). The power of preferences: economic elites and light taxation in Mexico. *Revista Mexicana de Ciencias Políticas y Sociales*, 62(231), 47-76.
- P. Sebola, M. (2016). Public participation in South Africa's policy decision-making process: The mass and the elite choices. *International Public Administration Review*, 14(1), 55-73.
- Perlavičute, G., & Squintani, L. (2020). Public participation in climate policy making: toward reconciling public preferences and legal frameworks. *One Earth*, 2(4), 341-348.
- Sarighalam, M. (2013). *Rationality and development in Iran*. Tehran: Farzan Rouz. (Persain)
- Shahidul Hasan, M. (2016). Who participated and who doesn't? Adapting community participation model for developing countries. *Cities*, 70-77. Received from: www.elsevier.com.
- Taffa Ariti, A., Vanvliet, J., & Verburg, P. H. (2019). The role of institutional actors and their interaction in the land use policy making process in Ethiopia. *Journal of Environmental Management*, 237, 235-246.
- Warfield, J. W. (1974). Developing interconnected matrixes in structural modeling. *IEEE Transcript on Systems, Men and Cybernetics*, 4(1), 51-81.

- Weinschenk, A. C., Dawes, C. T., Oskarsson, S., Klemmensen, R., & Nørgaard, A. S. (2021). The relationship between political attitudes and political participation: evidence from monozygotic twins in the United States, Sweden, Germany, and Denmark. *Electoral Studies*, 69, 1-7.
- Zabetpoor Kordi, H., Amin Bidokhti, A., Rezayi, A., & Salehi, E. (2019). Identifying and prioritizing the challenges of applying higher education policies in Iran. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 13, 203-230. (Persain)